

هزار و یک دلیل برای هزاران نزاع روزانه در شهر

دلتنان می‌خواهد چگونه بمیرید؟ با مشیت، میله آهنی، چاقو، گلوله یا...؟ اصلاً چه فرقی می‌کند، وقتی یک نزاع خیابانی رخ می‌دهد، باید انتظار همه چیز را داشت.



دلتنان می‌خواهد چگونه بمیرید؟ با مشیت، میله آهنی، چاقو، گلوله یا...؟ اصلاً چه فرقی می‌کند، وقتی یک نزاع خیابانی رخ می‌دهد، باید انتظار همه چیز را داشت. برای نمونه روزانه در کلانتری‌ها و محاکم قضایی شاهد رسیدگی به پرونده‌هایی هستیم که به نوعی در اثر یک اتفاق ساده رخ داده است و طرفین بدون آن‌که همدیگر را بشناسند، با یکدیگر درگیر شده و خود و طرف مقابل را دچار مشکل کرده‌اند.

بوق زدن، یک تصادف کوچک، نگاه کردن، تنه زدن و ... از این قبیل موضوعاتی است که باعث درگیری می‌شود. کافی است هر روز نگاهی به صفحات حوادث روزنامه‌ها داشته باشید و ببینید این اتفاقات به ظاهر کوچکی که فقط با یک عذرخواهی پایان می‌گیرد، چگونه به یک حادثه دلخراش و گاه موجب جنایت تبدیل می‌شود.

بررسی پرونده‌های جنایی در دادسرا‌ها نشان می‌دهد بیش از 60 درصد جنایت‌ها، فقط به دلیل ناسزا و سپس درگیری رخ داده است و تنها ساعتی بعد فردی که با کمی خویشتنداری و گذشت می‌توانسته از وقوع حادثه پیشگیری کند، خود را گرفتار کرده و موجب خسارت‌های مالی و جانی شده که گاه این نوع رفتارها به جنایت و در ادامه به قصاص منجر شده است.

چندی پیش در یکی از خیابان‌های تهران مرد میانسالی که خودرویش خراب و موجب ترافیک شده بود، مقابل اعتراض راننده جوانی که با گذاشتن دست روی بوق خودرو به وی ناسزا گفت و جوان راننده نیز با وی درگیر شد و زمانی به خود آمد که مرد میانسال به دلیل اصابت مشت‌هایی که به سینه‌اش خورده بود، مقابل چشم حیرت‌زده مردم جان باخت.

پس از دستگیری این جوان، وی ساعتی بعد در دادسرا به بازپرس جنایی می‌گفت من هنوز خواب هستم و تصور نمی‌کنم یک انسان را کشته‌ام! اما متأسفانه با محاکمه این جوان، وی به خواست خانواده مقتول به قصاص محکوم شد؛ یعنی نابودی و مرگ دو انسان که فقط برای لحظه‌ای قربانی خشم خود شده بودند.

همین چند روز پیش راننده یک دستگاه اتوبوس در شرق تهران که قصد پارک وسیله نقلیه‌اش را در یکی از خیابان‌های تهرانپارس داشته، به دلیل اعتراض یکی از همسایه‌ها که از او خواسته بود تا خودرویش را در محل دیگری پارک کند، میان آنها درگیری پیش آمده و راننده پس از اصابت سر به درختی که در حاشیه خیابان بوده، جانش را از دست داده و همسایه معترض نیز با دستور قضایی بازداشت و روانه زندان شده است.

اگر بخواهیم به حوادث این چنینی اشاره کنیم، باید از نگاه آمار به آن توجه کنیم که ناسزا در رتبه نخست درگیری‌های خیابانی قرار دارد و بیشتر درگیری‌ها نیز در فصل گرما که تحمل مردم کاهش می‌یابد، رخ می‌دهد.

کارشناسان پزشکی قانونی و امداد و نجات می‌گویند در چهار ماه نخست امسال 226 هزار و 617 نفر به دلیل صدمات ناشی از درگیری‌های مختلف خیابانی به مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور مراجعه کرده‌اند که 158 هزار و 659 نفر مرد و 67 هزار و 958 نفر زن بوده‌اند؛ اما به راستی علل اصلی این درگیری‌ها چیست؟

درگیری دو راننده جوان خودروهای مسافرکش بر سر سوار کردن مسافر در یک نیمروز تابستانی در یکی از خیابان‌های شلوغ تهران، نگاه‌های بدون انگیزه عابران پیاده و سایر راکبان وسایل نقلیه را چند لحظه به دنبال خود می‌کشد. غیر از یکی دو نفر که سعی دارند دو مرد خشمگین را از هم جدا و از درگیری جلوگیری کنند، سایر عابران و موتورسواران بی تفاوت این صحنه را نگاه می‌کنند و از کنار آنها می‌گذرند. شاید بی تفاوتی نگاه عابران برای این است که این زد و خوردهای خیابانی بخشی از زندگی روزمره کسانی است که هر روز مجبورند در خیابان‌های شلوغ و پرجمعیت پایتخت در رفت و آمد باشند. بر اساس آمار اعلامی پزشکی قانونی می‌توان گفت روزانه حدود 1900 نفر در شهرهای مختلف کشور درگیر دعوای خیابانی و نزاع‌های محلی و محله‌ای شده و به علت ضرب و جرح و بالاگرفتن درگیری سر از نیروی انتظامی و پزشکی قانونی درمی‌آورند. به طور قطع تعداد درگیری‌های فیزیکی و لفظی که بدون دخالت پلیس به پایان می‌رسد، اما آرامش شهر و خیابان را خراش می‌دهد به مراتب چند برابر بیشتر از این آمار رسمی است.

کارشناسان بر این عقیده اند بیش از نیمی از افرادی که به مراکز معاینات پزشکی قانونی مراجعه می کنند، جراحات دارند و حدود 20 درصد این جراحات ناشی از بروز درگیری ها و نزاع های خیابانی است. تورقی بر صفحه حوادث روزنامه ها و سایت های خبری از وقایع تاسف برانگیزی حکایت دارد که منشا آنها از یک نزاع خیابانی بر سر یک مساله معمولی شروع و به حوادث خونینی منجر شده است. کارشناسان سازمان های پزشکی قانونی و امداد و نجات هلال احمر استفاده از قدرت بدنی به جای منطق برای حل مسائل و مجادلات را ویژه جوامعی که هنوز شهرنشینی و مدنیت در آنها رشد نکرده، می دانند. زور بازو و استفاده از آن برای به کرسی نشاندن و اثبات نظر خود، ویژه جوامع مکانیکی و قبیله محور است.

نبود آموزش نیز از عوامل موثر در نزاع های خیابانی است، زیرا هر انسانی قادر است بسیاری از مسائل را یاد بگیرد. خانواده مهم ترین مرکز آموزش مهارت های زندگی است و یادگیری مسائلی مانند خونسردی، متانت، تامل، تفکر و چاره جویی برای حل مشکلات در سرنوشت انسان و نحوه زندگی او در تمام دوران زندگی موثر خواهد بود. ضمن این که فقر اقتصادی نیز عاملی برای بروز این گونه درگیری ها بوده و گاهی مشکلات مالی بر توان و حوصله افراد غلبه می کند و باعث می شود افراد بر سر مسائل کوچک و کم اهمیت با یکدیگر درگیر شوند.

افرادی که دارای برنامه ریزی در زندگی هستند، بسیاری از مشکلات را پیش بینی می کنند و با آمادگی قبلی برای هر موردی اقدام می کنند به طوری که کمتر باعث درگیری، ضرب و جرح و منازعه می شوند. اما نقطه مقابل آنها افرادی هستند بدون برنامه که باری به هر جهت، روزگار را می گذرانند و بیشتر دچار مشکل می شوند.

آمارهای پزشکی قانونی نشان می دهد بیشترین موارد درگیری ها، بین افراد جوان صورت می گیرد. این افراد ویژگی هایی مانند ناپختگی، بی تجربگی، انرژی زیاد و تحریک پذیری دارند و مستعد درگیری و زد و خورد و پیامدهای آن هستند و در این میان نقش خانواده ها و رسانه های جمعی در کنترل این درگیری ها بسیار موثر است و والدین باید همواره همنشینی های جوانان، رفت و آمد آنها و برنامه های روزانه شان را تحت نظارت قرار دهند.